

به چند زن دوچرخه‌سوار در اصفهان حمله شده است. مهاجم با کمک نیروهای امنیتی در 48 ساعت دستگیر شده اما در کمتر از یک ماه با قید وثیقه آزاد شده است.

تیراندازی یک جوان با کلت پنج‌ونیم در اصفهان:



مردی جوان در تاریخ 28 مردادماه به حداقل پنج نفر در اصفهان تیراندازی کرده است.

به گزارش اسپادانا خبر، روزنامه شرق در گزارشی نوشته است:

جوانی با نام «ف» چند زن و حداقل یک مرد را مورد اصابت تیرهای ساچمه‌ای با کلت پنج‌ونیم قرار داده است. فرد مذکور با کمک نیروهای امنیتی هرچند در 48 ساعت دستگیر شده اما در کمتر از یک ماه با قید وثیقه آزاد شده است.

یک منبع آگاه به شرق گفته که این پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی است و فعالان حوزه اصفهان نیز از حمله به چند زن دوچرخه‌سوار در اصفهان خبر داده اند.

- قربانی اول 28 ساله و کارمند ساعت 5:00 بعدازظهر پس از بازگشت از محل کار در خیابان امام مورد اصابت تفنگ ساچمه‌ای قرار می‌گیرد.

او می‌گوید:

احساس کردم پشتم می‌سوزد. یک لحظه نشستم و دستم را روی پهلویم قرار دادم و دیدم آغشته به خون است. به برادرم زنگ زدم و به کمک یک راننده تاکسی به بیمارستان اعزام شدم. همان‌جا برادر و مادرم هم رسیدند و متوجه شدیم چند نفر دیگر نیز مورد اصابت قرار گرفته‌اند. این را پرستاری گفت که من را آماده رفتن به اتاق عمل می‌کرد. گفت یکی، دو نفر تصمیم به شکایت گرفته‌اند. من گفتم شکایت می‌کنم اما برادرم فریاد کشید که وقتی چادر سر نمی‌کنی و حجاب نداری همین می‌شود». از مهلا می‌پرسم مگر حجاب نداشتی؟ او می‌گوید: «من با لباس فرم بودم. مانتو تا زیر زانو و شلوار سورمه‌ای درست از جنس مانتو و مقنعه مشکی. خسته و گرم‌زده در حال صحبت با تلفن بودم. آفتاب‌گیر به سر داشتم و اصلاً صورتم معلوم نبود اما به‌رحال خانواده‌ام ترسیده بودند... مأموران امنیتی انصافاً همکاری داشتند و گفتند پرداخت می‌کنند و البته اگر بخواهیم شکایت کنیم باید خودمان هزینه را پرداخت کنیم تا زمان مشخص شدن دیه مبلغ را بگیریم. اما اصلاً به اینجا نرسید.

او می‌گوید از آن روز تا به امروز ترجیح می‌دهد از خانه بیرون نیاید، از صدای پا می‌ترسد و دو ماه مرخصی بدون حقوق گرفته است. هیچ‌کس حالم را نفهمید. مادرم نگفت نترس، برادرم هم گفت بترس! بترس که آخر و عاقبت یک بلایی سرم می‌آورد یا صورتم را از ریخت می‌اندازند یا کله‌ام را می‌کنند.

- نرگس، قربانی دوم که 17 ساله است که برای خرید کتاب درسی از منزل خارج شده بوده درست کنار هتل دانشمند، ابتدای کوچه حکیم شفا مورد اصابت قرار می‌گیرد.

او می‌گوید:

«من با دوستم بودم، یک‌دفعه صدایی آمد، در پشتم سوزش احساس کردم و یک چشم سیاهی رفت و افتادم و با دوستم داخل یک بوتیک لباس‌فروشی رفتیم و معلوم شد تیر خوردم. صاحب مغازه صدای تیر را شنیده بود و گفت فکر کنم ساچمه خوردی. من اصلاً نفهمیدم چه اتفاقی افتاد، زنگ زدم به خاله‌ام و گفتم تفنگ ساچمه‌ای چیست و گفتند برای شکار است اما بعداً معلوم شد اصلاً تفنگ پنج‌ونیم بوده است.»
مادر نرگس می‌گوید:

«به فاصله 200 متر جلوتر، در میدان شهدا، دومین نفر چند دقیقه بعد تیر می‌خورد. الان کسی که می‌گویند سه قبضه سلاح همراهش داشته از زندان یا قید وثیقه آزاد است. روز اولی که ما به دادگاه رفتیم به ما گفتند او اشد مجازات را می‌گیرد. ما راضی به اشد مجازات نبودیم و این را گفتیم اما گفتند او سه قبضه سلاح داشته و با همین کلت ساچمه‌ای پنج‌ونیم یکی از همکاران ما به شهادت رسیده است. به گفته مسئولان قضائی او دو تفنگ شکاری و یک کلت پنج‌ونیم به همراه داشته که باید مجوز داشته باشد.»
پدر نرگس می‌گوید:

«دو روز قبل از عید قربان دختر من که حدود 50 روز بود از خانه بیرون نرفته بود برای خرید کتاب از خانه بیرون رفت. آن روز، روز آخری بود که آب زاینده‌رود جاری بود و خانواده برای گردش آنجا رفته بودند. دخترم هم قرار شد بعد از خرید کتاب پیش خانواده برود. نیم ساعت نگذشته بود که خواهر همسر تماس گرفت و گفت نرگس تیر خورده. من در مسیر بلافاصله با 110 تماس گرفتم و دخترم را به بیمارستان امیر بردیم و از آنجا به زهرای مرضیه و در این بیمارستان به ما گفتند باید نرگس را به بیمارستان کاشانی منتقل کنیم. تیر نزدیک نخاع دخترم خورده بود و اوایل به ما گفتند که احتمال فلج شدنش هم وجود دارد؛ یعنی اگر چند سانتی‌متر جلوتر خورده بود، الان نرگس قطعاً قطع نخاع شده بود. بعد از اینکه به بیمارستان کاشانی رفتیم، درست یک نفر کنار دختر من بستری شده بود که تیر کنار قلبش خورده بود و به دلیل اینکه تیر جای حساسی است، پزشکان برای درآوردنش صبر کرده‌اند. در همان حین هم یک نفر دیگر را دیدیم که تیر به پشتش اصابت کرده بود اما تا گفتند به نیروی انتظامی مراجعه کنید، ترسیدند و ترجیح دادند که بیمارستان را ترک کنند. ما حداقل پنج نفر را که در بیمارستان بودند، دیدیم. دختر من نیاز به جراحی داشت، از زمانی که تیر خورد تا صبح روز بعد که جراحی کرد، تیر حداقل 12 سانتی‌متر حرکت کرده بود و گفتند اگر تیر درنیاورد ممکن است اتفاق بدی بیفتد. از آن‌همه افرادی که به بیمارستان مراجعه کرده بودند تنها دو نفر ما در بیمارستان ماندند و حاضر به شکایت شدند و بقیه ترجیح دادند مسئله را مسکوت باقی بگذارند. روز عید قربان آخرین نفر در خیابان امام خمینی تیر خورد. تا زمانی که ما بیمارستان بودیم اولین گروه ساعت 12 شب به بیمارستان آمدند تا ظهر فردا که هنوز نرگس عمل نشده بود، به صورت مداوم به بیمارستان می‌آمدند و به ما گفتند خبر جایی درز پیدا نکند، شاید گروه داعش این اتفاق را رقم زده باشد و ما می‌خواهیم سرکرده‌شان را پیدا کنیم. اگر این خبر رسانه‌ای بشود، طرف فرار می‌کند. باید ببینیم کار شخص یا گروه بوده تا بتوانیم مسئله را پیگیری کنیم.»

مادر نرگس در ادامه می‌گوید:

«آنها انصافاً هم مسئله را به‌خوبی پیگیری کردند و در عرض 48 ساعت فرد دستگیر شد و به ما گفتند برای دیدنش به کلانتری برویم. یک پسر 35، 36 ساله قذبلند بود که پشت یک 206 با شیشه‌های دودی نشسته بود.»

خانواده غلامی اولین خانواده‌ای بودند که از این اتفاق شکایت و این مسئله را پیگیری کردند و با تشویق آنها خانواده زینب، دیگر قربانی این حادثه که کمی بعد از نرگس در میدان شهدا تیر خورده بود، حاضر به ثبت شکایت می‌شود.

مادر نرگس در ادامه می‌گوید:

«متهم عید قربان دستگیر و یک ماه بعد آزاد شد. از دادگاه با ما تماس گرفتند و گفتند آزاد شد. چند روز که گذشت، عمومی متهم با ما تماس گرفت و گفت به خاطر مادرش بچه ما را ببخشید، ما هم گفتیم اصلاً راضی به زندان و اعدام کسی نیستیم اما به خاطر همان مادرش اجازه بدهید چند روز بماند و تنبیه بشود. در نهایت عمومی گفت شما چه رضایت بدهید، چه رضایت ندهید، ما آزادش می‌کنیم و نهایتاً 30 میلیون دیه می‌دهیم. من گفتم مگر حرف دیه است؟ دختر من تیر خورده، بدنش درد می‌کند، تا سر خیابان می‌ترسد برود. چه کسی حرف دیه زد؟ در این میان عمومی متهم حرفی به من زد که جگرم آتش گرفت. به من گفتند مگر خمپاره خورده؟ یک تیر خورده که مال تفنگ ساچمه‌ای بوده و شما کاری از دست‌تان برنمی‌آید. بعد از این ماجرا به دادگاه رفتیم و گفتند می‌خواهد با سند آزاد شود، بروید رضایت بدهید، ما گفتیم شما سری قبل می‌خواستید طرف را اعدام کنید، الان برویم رضایت بدهیم؟ مدام می‌گفتند دیه را بگیرد و بی‌خیال شوید. ما پیش معاون دادستان رفتیم و آنجا به ما قول دادند که خبری از آزادی نیست اما حالا خبردار شدیم طرف آزاد شده.»

• قربانی سوم، زینب ساکن شاهین‌شهر است و روز حادثه از شاهین‌شهر ماشین‌های خیابان امام را سوار می‌شود و در همان خیابان تیر می‌خورد.

پدرش می‌گوید:

«زینب دردی را پشت کمرش حس می‌کند و کسی می‌گوید که مانتویش خونی شده. مردم به او کمک می‌کنند و آمبولانس»

خبر می‌کنند و به بیمارستان کاشانی منتقل می‌شود و آنجا با ما تماس می‌گیرند. تیر پشت کتف سمت راست او اصابت کرده. در بیمارستان از ما بازجویی کردند. هنگام تسویه حساب گفتند اگر می‌خواهید از طرف دولت هزینه بیمارستان حساب شود، باید رضایت بدهید و ما ترجیح دادیم شکایت کنیم. در تسویه حساب گفتند نقد بدهید چون دیه می‌گیرید».

پدر زینب می‌گوید که دختر 38 ساله‌اش ترسیده و همین باعث شده که از خانه بیرون نرود و رفتار بد خانواده فرد متهم و همین‌طور آزادی او باعث شده تصمیم به روایت بگیرد.

شرق در ادامه گزارش خویش آورده است:

تویتر پر است از خبری مبنی بر اینکه زنان دوچرخه‌سوار در سطح شهر مورد حمله قرار گرفته‌اند و چند نفرشان از سوی فرد یا افرادی هل داده شده و جراحات‌های عمیق و سطحی داشته‌اند. سؤال اصلی مردم اصفهان این است که در این شهر چه خبر است؟ هرچند زندگی عادی مردم در جریان است اما به نظر می‌رسد در زیر پوست شهر اتفاقاتی همیشه در حال افتادن است. مهر سال 93 اخباری مبنی بر اسیدپاشی روی دختران اصفهانی رسانه‌ای شد؛ مسئله‌ای که هرگز متهمان آن مشخص نشدند و زندگی دختران زیادی بر باد رفت. قطعاً به نظر می‌رسد ماجرای تیراندازی‌های اخیر هیچ ربطی به اسیدپاشی‌های سال 93 اصفهان ندارد اما این سؤال مطرح است که پیگیری نکردن و همچنین عدم اطلاع‌رسانی درباره متهمان این واقعه تلخ، شرایط و بستر را برای تکرار بزه در اصفهان و دیگر شهرها هموار کرده است؟ چه دلیلی دارد فردی که حداقل یک سلاح غیرمجاز داشته و حداقل پنج نفر را مورد اصابت قرار داده، هم‌اکنون آزاد باشد و خانواده او بتوانند مجروحان این حادثه را که از نظر روحی در شرایط نامساعدی قرار دارند، تهدید کنند؟ به چه دلیلی از خانواده‌ها خواسته می‌شود موضوعی را که می‌تواند یک تیراندازی ساده باشد، آن‌قدر پلیسی کنند و از خانواده‌ها خواست که درباره‌اش صحبت نکنند.

در گزارش «شرق» آمده است در طول هفته گذشته تماس با مسئولان قضائی استان برای گفت‌وگو درباره این اتفاق به جایی نرسیده و فقط یک منبع آگاه خبر داده که این پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی است. همچنین فعالان حوزه اصفهان از حمله به چند زن دوچرخه‌سوار در اصفهان خبر داده‌اند؛ خبری که در صفحات مجازی نیز بازتاب فراوانی داشته است.

• رئیس کل دادگستری استان اصفهان در واکنش به گزارش روزنامه شرق از تیراندازی به زنان در این شهر گفت:

اطلاعات منتشر شده دقیق نبود.

به گزارش چندثانیه، او ادامه داده است:

واقعیت موضوع و پرونده به نحوی که منتشر شده نبوده است. متهم پرونده تیراندازی با سلاح‌ساجمه ای به سه نفر در اصفهان به مواد مخدر صنعتی اعتیاد داشته که به سرعت بازداشت و دوماه در بازداشت موقت بوده است. فقط یک نفر از آن سه نفر به پزشکی قانونی مراجعه می‌کند و طبق نظر پزشکی قانونی جراحی وارده به این فرد از نوع جراحی جزئی بود.

او گفته است:

دستگاه قضایی با قاطعیت و دقت تا صدور حکم به این پرونده رسیدگی می‌کند.

برچسب ها: [آسیب‌های اجتماعی](#) [1]

[حقوق زنان](#) [2]

[اسید پاشی](#) [3]